

حقوق و تکالیف خانوادگی مادر از منظر قرآن

رضا دهقان‌نژاد^۱

چکیده

حقوق مادر بر فرزند در فرهنگ قرآن کریم تا حدود زیاد در ذیل حقوق والدین تعریف می‌شوند و این دو بحث از دلایل و شواهد قرآنی نسبتاً یکسانی برخوردارند. از این روی آیات قرآن کریم که در مورد حقوق والدین بحث نموده است، بر دو قسم است: یک قسم حقوق مشترک پدر و مادر را بیان می‌کند و قسم دیگر، آیاتی است که مخصوص حقوق مادر است، و اگر درباره پدر حکم خاصی را بیان می‌کند برای بیان وظیفه است. از برخی آیات قرآن چنین برمی‌آید که سفارش به مادر بیشتر از پدر است و حق مادر بر حق پدر مقدم می‌باشد. در پژوهش حاضر به این سؤالات پاسخ خواهیم داد که از دیدگاه قرآن کریم چه امتیازات و حقوقی برای مادر به رسمیت شناخته شده است و همچنین چه تکالیفی از باب تلازم حق و تکلیف بر عهده وی در قبال فرزندان گذاشته شده است؟ در پاسخ به سؤالات فوق، آن دسته از آیات نورانی قرآن کریم را استخراج و با استفاده از آراء مفسران و فقهاء اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد که به حقوق و تکالیف خانوادگی یافته‌های این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، نشان می‌دهند حق احترام و محبت، حق اطاعت، حق حمایت معنوی و مادی، حق حضانت و شیردهی، و حق مراقبت به ویژه در زمان سالمندی، از مهم‌ترین حقوق مادر در برابر فرزندان به شمار می‌آیند. در مقابل، حفظ حیات و سلامتی فرزندان، تعلیم و تربیت، نظارت، رعایت عدالت بین فرزندان و حمایت در ازدواج فرزندان از مهم‌ترین تکالیف وی از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حق حمایت معنوی و مادی، حق مراقبت، تکالیف، عدالت، تعلیم و تربیت، حمایت از ازدواج.

^۱ - استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. rnr_dehgan@yahoo.com

۱. مقدمه

برخلاف دیدگاه ادیان تحریف شده و دوران جاهلیت نخستین که به طور کلی زن موجودی بی ارزش تلقی و حقوق مسلم فردی و اجتماعی او پایمال می شد، همچنین برخلاف دست کم برخی از نظریات افراط گرایان در دفاع از حقوق زنان به اصطلاح فمینیست ها که زن بودن و مادر بودن وی را زیر سوال برده اند، قرآن کریم با نگاه اعتدالی و بدون افراط و تفریط و با در نظر گرفتن اقتضای فطری، روحی و روانی آنان، ضمن برشمردن مجموعه ای از فضایل مشترک بین مرد و زن، از جایگاه ارزشی و حقوقی آنان دفاع کرده و بر رعایت آنها از سوی جوامع انسانی تأکید نموده است. در مقابل از باب تلازم حق و تکلیف، تکالیفی نیز برای آنان در نظر گرفته است. زیرا از منظر این دیدگاه، زن به عنوان مادر، یک عنصر بسیار مؤثر و تعیین کننده ای در زمینه کمک به پیشرفت یا پسرفت معنوی و مادی همه اعضاء خانواده و به تبع آن در جامعه و زندگی اجتماعی می باشد.

در ضرورت و اهمیت طرح این بحث دو نکته را باید متذکر گردید:

نکته اول اینکه در فرهنگ اسلام مادر از جایگاه بسیار والایی برخوردار است همانطوری که در بالا اشاره گردید می تواند نقش بسیار مهمی در ساختن جامعه سالم و موفق ایفا نماید که در آموزه های دینی نیز با عباراتی مانند « السعيد سعيد في بطن أمه و الشقی شقی فی بطن أمه » و احادیث فراوان دیگر در این زمینه بر آن تأکید شده است. نکته دیگر اینکه دشمنان نظام اسلامی کاملاً متوجه شده اند که زنان و مادران مؤمن و با بصیرت یک جامعه چقدر می توانند در سعادت و استکبار ستیزی یک جامعه نقش مؤثری ایفا نمایند. برای مثال آنها دیده اند که در هشت سال دفاع مقدس مردم ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مادران چگونه آئینه تمام نمای ایثار، فداکاری و اسطوره های شهادت و شهامت بودند و فرزندان خود را با اشتیاق فراوان به مناطق جنگی می فرستادند. بر این اساس جهت تخریب جایگاه ارزشی و حقوقی زنان و مادران در نظام اسلامی، با تمام قوا با استفاده از ظرفیت های مختلف به ویژه رسانه ها و شبکه های مجازی زیادی که در اختیار دارند، به صورت گسترده و هدفمند وارد میدان عمل شده اند.

بنابراین بررسی و تبیین حقوق و تکالیف زنان به عنوان مادر از منظر قرآن کریم به عنوان تنهاترین کتاب آسمانی تحریف نیافته که تمام احکام و معارف آن در صورت پایبندی به آن، موجب سعادت مندی دنیوی و اخروی افراد و به تبع آن جامعه خواهد بود، ضروری به نظر می رسد.

در پژوهش حاضر به این سؤالات پاسخ خواهیم داد که از دیدگاه قرآن کریم چه امتیازات و حقوقی برای مادر در نظر گرفته شده و به رسمیت شناخته شده است و همچنین تکالیفی که در قرآن کریم بر عهده وی در قبال شوهر و فرزندان گذاشته شده است، چیست؟

برای پاسخ به سؤالات فوق، مباحث این پژوهش را در دو محور ذیل از نگاه قرآن کریم با استفاده از نظرات مفسران و فقهاء اسلامی پی می گیریم:

محور اول: الف: حقوق مادر در قبال فرزندان

محور دوم: تکالیف مادر در قبال فرزندان

گرچه در زمینه حقوق و تکالیف متقابل اعضای خانواده در آیات زیادی مورد بحث قرار گرفته است. منتهی در این مقاله، آن دسته از آیات نورانی قرآن کریم را استخراج و مورد بررسی قرار خواهیم داد که به حقوق و تکالیف خانوادگی مادر مربوط می شوند و متضمن ثبوت وظیفه ای بر عهده شوهر و فرزندان می باشد، اما حقوقی که بدون در نظر گرفتن ثبوت وظیفه ای بر عهده طرف مقابل، مستحق آن هستند مانند حق ارث و حق وصیت، از محل بحث خارج هستند.

درباره پیشینه تحقیق نیز باید گفت گرچه در موضوع (زن) به طور کلی کتابها و مقالاتی از سوی دانشمندان اسلامی با رویکردهای مختلف مانند زن در قرآن (علامه طباطبایی)، زن در قرآن (علی دوانی)، نظام حقوق زن در اسلام (شهید مطهری) و... نوشته شده است، اما تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، در این موضوع با این عنوان کاری درخور توجه انجام نگرفته و کاری است جدید که می تواند امتیازی برای پژوهش حاضر محسوب گردد.

۲. حقوق مادر در قبال فرزندان

حقوق مادر بر فرزند در مکتب اسلام تا حدود زیاد در ذیل حقوق والدین تعریف می شوند و این دو بحث از دلائل و شواهد قرآنی نسبتاً یکسانی برخوردارند. از این روی آیات قرآن کریم که در مورد حقوق والدین بحث نموده است، بر دو قسم است: یک قسم حقوق مشترک پدر و مادر را بیان می کند و قسم دیگر، آیاتی است که مخصوص حقوق مادر است، و اگر درباره پدر حکم خاصی را بیان می کند برای بیان وظیفه است. مانند این که می فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَرِزْقُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۳۳) خوراک و پوشاک مادر به طور شایسته بر عهده پدر است». اما زمانی که از تجلیل و بیان زحمات سخن به میان می آورد، اسم مادر

را به خصوص ذکر کرده و زحمات طاقت فرسای وی را برای فرزندان گوشزد می کند. (جوادی املی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۷۷-۱۷۹)

افزون بر آن، از برخی آیات قرآن و هم چنین برخی احادیث منقول از معصومین (ع) چنین برمی آید که سفارش به مادر بیشتر از پدر است و حق مادر بر حق پدر مقدم دانسته شده است. در دو سوره از قرآن کریم پس از سفارش مطلق به والدین، بلافاصله از زحمات مادر تجلیل شده است. در آیه ای می فرماید: «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ؛ (لقمان، ۱۴) و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را حمل کرد، در حالی که هر روز ضعف و سستی تازه ای بر ضعف او افزوده می شد» (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، صص ۴۹۴-۴۹۵) و در آیه دیگر پس از همان سفارش مطلق به والدین می فرماید: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا؛ (احقاف، ۱۵) مادرش او را با مشقت حمل کرد و با مشقت بر زمین گذارد و دوران بارداری و از شیر گرفتن او سی ماه است».

در روایات متعددی نیز با عبارات مختلف و صریح از حق تقدم مادر بر پدر و همچنین حق بیشتر وی بر پدر با عبارات مختلفی مانند «حَقَّ الْأُمُّ الْأَزْمَ الْخُفُوقِ وَ أَوْجَبَتْ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، بَابُ اسْتِحْبَابِ الزِّيَادَةِ فِي بِرِّ الْأُمِّ عَلَى بِرِّ الْأَبِ، ص ۱۸۰) و مانند آن سخن گفته شده است. (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۶۵؛ نوری، همان، ج ۱۱، ص ۱۵۵؛ ج ۱۵، ص ۱۸۰-۱۸۲)

تأمل در آیات قرآن کریم این برداشت را در ذهن تقویت می کند که اصلی ترین حق پدر و مادر بر فرزندان، حق نیکی و احسان است. بر و نیکی به والدین یک از ویژگی های انبیاء الهی در قرآن کریم شمرده شده است.^۱ در اهمیت و بزرگی این حق، همین بس که در چهار آیه بلافاصله پس از اصل توحید قرار گرفته است. (بقره، ۸۳؛ نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۳)

برای نمونه، در سوره اسراء آمده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ (اسراء، ۲۴) پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آنها- یا هر دو آنها- نزد تو، به سن پیری برسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزن، و گفتار لطیف و سنجیده بزرگوارانه به آنها بگو؛ بال های تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر، و بگو پروردگارا همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان قرار ده».

^۱ - متن آیات چنین است: «وَبِرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا»؛ (مریم، ۱۴) و «وَبِرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا». (همان، ۳۲).

در آیه شریفه فوق، پنج تأکید وجود دارد که نشانگر اهمیت فوق العاده محتوای آن می باشد.

۱. واژه « قضی » معنای متعددی دارد (ابن عربی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۹۸) که در اینجا به معنای امر و فرمان قطعی که مفهوم مؤکدتری از واژه « امر » دارد؛

۲. قراردادن مسأله « احسان به والدین » را در کنار اساسی ترین اصل قرآنی یعنی اصل توحید، تأکید دیگری بر اهمیت موضوع است. یعنی همانطوری که فرمان توحید، قطعی و نسخ نشدنی است، فرمان نیکی به والدین نیز چنین است؛ (قرآنی، ۱۳۸۳، ش ۷، ج ۷، ص ۴۰)

۳. واژه « احسان » مطلق است و هر گونه نیکی را دربرمی گیرد؛

۴. لفظ « والدین » نیز عام بوده شامل همه پدر و مادر ها اعم از مسلمان و غیر مسلمان می شود؛

۵. نکره بودن احسان (احساناً) که در این گونه موارد برای بیان عظمت می آید، پنجمین تأکید محسوب می گردد. (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ش ۱۲، ص ۷۴)

به هر حال، وجوب احسان به والدین بر مبنای قاعده عقلی وجوب شکر مُنعم و قاعده قرآنی «لزوم جزای احسان با احسان» (رحمان، ۶۰) استوار است؛ زیرا همگان اذعان دارند که زحمت ها و رنج هایی که والدین در امر حاملگی و پرورش فرزندان خود متحمل می شوند، از بی شائبه ترین نعمت هایی است که در جوامع بشری یافت می شود و از این رو، هیچ انسان منصفی در لزوم سپاس گذاری فرزندان از والدین و جبران خدمات آنها تا حد امکان، تردید روا نمی دارد.

قرآن کریم افزون بر اینکه احسان و نیکی به والدین را به طور کلی به عنوان وظیفه اصلی فرزندان نسبت به پدر و مادر مطرح کرده، به بیان مصادیق و شاخص های اصلی آن نیز پرداخته است که آنها را در پنج محور، شامل حق اطاعت، حق احترام و محبت، حق حمایت مادی و معنوی، حق حضانت و شیردهی و حق مراقبت به طور خلاصه بررسی می کنیم.

۲-۱. حق اطاعت

می توان گفت اولین حقوق از حقوق اساسی و مشترک پدر و مادر بفرزندان، حق اطاعت است. قرآن کریم پس از سفارش انسان به شکرگزاری از والدین می فرماید: « وَ إِن جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا؛ (لقمان، ۱۴-۱۵؛ همچنین ر.ک: عنکبوت، ۸) و اگر تلاش کردند چیزی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری [بلکه می دانی باطل است] از آنها اطاعت مکن و [در عین

حال،] با آنها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن». بر اساس این آیه، فرزند موظف است در همه امور از والدین خود اطاعت کند، مگر آنکه او را به گناه و نافرمانی خداوند دعوت کنند.

نکته مهم در اینجا این است که مطابق جمله « وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»، عدم اطاعت فرزند از والدین در اموری که موجب نافرمانی خداوند متعال می‌گردد، مجوز بدرفتاری او با ایشان و ترک اطاعت وی از آنها در غیر از آن امور نمی‌شود، بلکه باید با آنها در اموری که معصیت خدا نباشد، به طور شایسته رفتار نماید.

مرحوم طبرسی در ذیل این آیه می‌نویسد: « در اینجا چون خداوند امر نموده بشکر نعمت‌های خویش لذا با اشاره خواسته تذکر دهد که شکر هر منعم واجب و لازم است و بدین جهت از پدر و مادر- که نعمتی بزرگ برای فرزندان به شمار می‌آیند- سخن بمیان آورده و بر انسان‌ها واجب نموده که از والدین اطاعت نموده و از آنان تشکر کرده و به آنها احسان نماید». (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۴۹۵)

گفتنی است بنا به گفته بسیاری از مفسرین، جمله «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» تفسیر و توضیح جمله «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ» میباشد. (برای نمونه رک: طبرسی، پیشین، ج ۸، ص ۴۹۵؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۷۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۱۴؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۶۹) و از اینکه تشکر از والدین را بدنبال تشکر از خود قرار داده، بدان جهت است که خداوند آفریننده انسان و والدین وسیله‌ای برای آفرینش و تربیت آن میباشند. (طبرسی، پیشین، ج ۸، ص ۴۹۵) برای همین است که خداوند به انسان به طور مطلق سفارش نموده است که همانگونه که شکر من بر همه واجب است، شکر پدر و مادرتان نیز واجب است.

همان طوری که راغب اصفهانی و دیگران می‌گویند، یکی از مراتب شکر،^۱ شکر عملی است و آن شکر اعضاء و جوارح انسان است که نعمتها را در راه اطاعت و براساس رضایت منعم صرف نماید. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ص ۹۸) بنابراین شکر عملی خداوند مطلق بوده و در همه حالات، زمان‌ها و مکان‌ها اطاعت از اوامر و نواهی خداوند بر انسان به قدر توان و وسع خود واجب است. (بقره، ۲۸۶) اما شکر عملی از والدین که همان اطاعت از دستورات آنهاست، مطلق نبوده و براساس جمله « وَ إِنِ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي ... فَلَا تُطِعْهُمَا» در آیه فوق، مشروط به عدم معصیت و عدم مخالفت با فرامین الهی است؛ که در برخی از احادیث نیز در بحث حقوق والدین به آن اشاره کرده‌اند.^۲ برای مثال، حدیثی از امام

^۱ - همانگونه که در کتب لغت آمده است شکر به معنای یاد آوردی و اظهار نعمت است که ضد آن کفر بمعنی نسیان و پوشاندن نعمت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۱) و همچنین به معنای ثناگویی در مقابل نعمت نیز آمده است. (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۶۲)
^۲ - قابل ذکر است که مطابق جمله « وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» در آیه ۱۵سوره مبارکه لقمان، عدم اطاعت فرزند از والدین در اموری که موجب نافرمانی خداوند متعال می‌گردد، مجوز بدرفتاری او با ایشان و ترک اطاعت وی از آنها در غیر از آن امور نمی‌شود، بلکه باید با آنها در اموری که معصیت خدا نباشد، به طور شایسته رفتار نماید.

علی (علیه السلام) نقل شده که می فرماید: « حقّ الوالد علی الولد أن یطیعہ فی کلّ شیء إلا فی معصیہ اللہ سبحانہ؛ (سیدرضی، ۱۳۸۱ش، حکمت ۳۹۹، ص ۵۱۸) حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند.»

همچنین مرحوم طبرسی در ذیل آیه شریفه «: (وَقَضَىٰ رَبُّكَ ... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ ...؛ (اسراء، ۲۳-۲۴) می فرماید اطاعت از والدین در هر حال لازم است، اما این که در اینجا فقط بدوران پیری آنها اشاره کرده است، برای این است که انسان در این دوران، به منزله کودک می باشد که بخدمت و حمایت بیشتری احتیاج دارد. (طبرسی، پیشین، ج ۶، ص ۶۳۱) گفتنی است عده‌ای از فقهاء معاصر، وجوب اطاعت از پدر و مادر را مطلق ندانسته، بلکه آن را فقط در صورتی ثابت می‌دانند که ترک آن، موجب عقوق یعنی اذیت والدین گردد. (ر.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ خوبی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، صص ۴۵۴-۴۵۵؛ امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۵۹۵-۵۹۶) با این حال، شکی در رجحان اخلاقی اطاعت از والدین در همه امور وجود ندارد. با این حال، شکی در رجحان اخلاقی اطاعت از والدین در همه امور وجود ندارد.

۲-۲. حق احترام و محبت

در میان سفارش‌های متعدد قرآن کریم درباره پدر و مادر، سفارش به احترام به ویژه برای مادر به دلایل متعددی مانند تحمل زحمات طاق فرسای مادری (ر.ک: لقمان، ۱۴؛ احقاف، ۱۵) و عاطفی بودن وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قرآن به بیان کلی این حق اکتفا نکرده، بلکه ظرائف و لطائف خاصی را در این خصوص با تعبیری اعجاب‌برانگیز یادآور شده و مصادیقی را بیان نموده است. اینکه فرزندان باید با آنان برخورد شایسته و گفتار کریمانه داشته باشند (قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا)؛ در گفتار و رفتار کاملاً متواضع توأم با مهربانی و محبت برخورد نمایند (وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ) و در مواجهه با آنها نباید از کلام بلند و تند و اهانت آمیز استفاده کنند. (فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا) (اسراء، ۲۳-۲۴)

در روایتی تفسیر آیه مذکور را از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند که حضرت فرمودند: «مقصود آن است که با آنان به نیکی معاشرت کنی و آنان را وادار نسازی که از تو چیزی درخواست کنند (یعنی قبل از آنکه چیزی از تو بخواهند، نیازشان را برطرف کن)، حتی اگر بی نیاز باشند (و بتوانند نیاز خود را برطرف نمایند). اگر خاطر تو را آزدند، به آنها «اف» نگو و اگر تو را زدند، بر سرشان فریاد مزن، بلکه با گفتار کریمانه از خداوند برایشان طلب مغفرت کن و نگاه تند به آنها نداشته باش، بلکه نگاه توأم با محبت و

دلسوزی باشد و صدایت را از صدای آنها بلندتر نکن و دستت را از دست آنان بالاتر نیاور و جلوتر از آنها راه نرو). (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، بابُ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ، ص ۱۵۸)^۱

ناگفته نماند لزوم احترام به والدین و همچنین اطاعت و حمایت از آنها نمی‌تواند بهانه‌ای برای زیر پا گذاشتن اصل کلی عدالت باشد. قرآن کریم در این خصوص به صراحت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ؛ (نساء، ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً به عدالت پایبند باشید و برای خدا گواهی دهید، اگرچه [این گواهی] به زیان خود شما یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد».

۲-۳. حق حمایت معنوی و مادی

یکی از حقوق مسلم والدین و یکی از مصادیق روشن احسان به آنها، حمایت مادی و معنوی فرزندان در زمان حیات و پس از مرگ آنهاست. در بعد حمایت مادی، قرآن کریم بر لزوم توجه به والدین در مواردی مانند انفاق و وصیت و بلکه اولویت دادن به آنها در مقایسه با سایر بستگان و نیازمندان تأکید دارد. برحسب آیه: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ ...؛ (بقره، ۲۱۵) از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو هر مالی را که انفاق می‌کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و ... [پرداخت کنید]»، به فرزندان توصیه شده است که از والدین خود حمایت مالی داشته باشند که این حمایت در برخی موارد حتی به حد وجوب می‌رسد. بر اساس روایات، پدر و مادر در صورت نیازمند بودن به عنوان افراد واجب‌النفقة فرزند محسوب شده‌اند. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، بابُ وَجُوبِ نَفَقَةِ الْأَبَوَيْنِ وَالْوَالِدِ، ص ۵۲۵)

البته در فقه اسلامی نفقه پدر و مادر تحت شرایطی بر فرزندان واجب می‌باشد. (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۹۹-۴۰۳)

وظیفه حمایت مالی از والدین پس از مرگ آنها نیز با ادای دین و وفای به نذر آنان و مانند آن ادامه می‌باید. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۱۲) در مورد وصیت نیز آیه قرآن می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ؛ (بقره، ۱۸۰) بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی به جا می‌گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان به طور شایسته وصیت کند؛ [چرا که این] حقی است بر پرهیزگاران».

^۱ - روایات زیادی درباره برّ الوالدین و احترام به آنها (ر.ک: کلینی، پیشین، ص ۱۵۸-۱۶۴) و همچنین هشدار جدی نسبت به عواقب عاق الوالدین وارد شده است. برای مثال در روایتی آمده است: «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَوْ يَعْلَمُ اللَّهُ شَيْئًا أَذْنَىٰ مِنْ أَفٍّ لَنَهَىٰ عَنْهُ وَ هُوَ مِنْ أَذْنَىٰ الْعُفُوقِ وَ مِنَ الْعُفُوقِ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَىٰ وَالِدَيْهِ فَيَجِدَ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا». (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، بابُ تَحْرِيمِ الْعُفُوقِ وَ حَدِّهِ، ص ۵۰۲).

روشن است که حمایت مادی از والدین به دو مورد مزبور اختصاص ندارد و موارد گوناگون دیگری از جمله مراقبت از آنان به ویژه در دوره سالمندی را نیز در بر می‌گیرد که قرآن کریم با توصیه‌های مکرر به احسان به والدین و نیز با تعبیر کلی «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» (لقمان، ۱۴) شکرگزار من و پدر و مادرت باش»، حکم همه آنها را مشخص کرده است. برحسب روایت، مردی به پیامبر اکرم (ص) عرض می‌کند: «مادر پیری دارم که او را بر پشت خود حمل می‌کنم و از دست‌رنج خود خوراکش می‌دهم؛ آنچه باعث آزار و اذیت اوست، از سر راهش برمی‌دارم؛ با وجود این، به خاطر شرم و احترام، چشم در چشم او نمی‌دوزم؛ آیا به این ترتیب، زحمات او را جبران کرده‌ام؟ حضرت فرمودند: نه». (نوری، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۸۰)

مطابق برخی دیگر از روایات، علاوه بر پدر که می‌تواند در صورت نیاز معیشتی به شرط عدم مفسده از اموال فرزندش استفاده نماید، مادر نیز می‌تواند از اموال فرزندش به نیت قرض برداشت نماید. (ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۵، باب الرَّجُلِ يَأْخُذُ مِنْ مَالِ وَاَلِدِهِ وَ الْوَالِدِ يَأْخُذُ مِنْ مَالِ ابْنِهِ، ص ۱۳۵)

اما منظور از حمایت معنوی هر گونه خیرات و مبرات است که فرزندان برای والدین یا از طرف آنها انجام می‌دهند. یکی از این کارهای خیر که در قرآن به طور ویژه به آن اشاره شده، دعا و طلب آمرزش برای والدین در زمان حیات و پس از مرگ ایشان است. قرآن کریم از زبان حضرت نوح (ع) این دعا را نقل می‌کند که «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» (نوح، ۲۸) پروردگارا، من و پدر و مادرم و هر کس با ایمان وارد خانه من شود و همه مؤمنین و مؤمنات را بیامرز». همچنین حضرت ابراهیم (ع) در دعای خود عرضه می‌دارد: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم، ۴۱) پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و همه مؤمنان را در روزی که حساب بر پا می‌شود، ببخش و بیامرز». در آیه دیگری به صراحت پیامبر گرامی اسلام را به عنوان پیشوای بزرگ مسلمانان، مخاطب قرار داده و فرمان می‌دهد که پدر و مادر خود را این گونه دعا کند: «وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا^۱ كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء، ۲۴) و بگو پروردگارا همانگونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت و مغفرتشان قرار ده.»

به نظر می‌رسد سه نکته درباره آیه شریفه وجود دارد که ذکر آن می‌تواند سودمند باشد:

نکته اول: با توجه به این که جمله «وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» با امر شروع شده و ظاهر امر نیز وجوب را می‌رساند، (ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۳۲۷) می‌توان گفت دعای خیر برای والدین بر هر فردی واجب است.

^۱ - قابل توجه در آیه شریفه این است که در دعا برای والدین از واژه «رحمت» استفاده نموده است که به تعبیر برخی از مفسرین جامع برای کل خیرات در دین و دنیا می‌باشد. (ر.ک: فخرالدین رازی، پیشین ج ۲۰، ص ۳۲۷)

نکته دوم: از امر به دعا و همچنین اطلاق آیه فهمیده می شود که اولاً دعای فرزند برای پدر و مادر چه در حال حیات و چه بعد از مرگشان، مسموع یا حداقل در مظنه اجابت است. زیرا در غیر اینصورت، معنا نداشت که امر به دعا بکند؛ (ر.ک: طبرسی، پیشین، ج ۶، ص ۶۳۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۸۱) ثانیاً وظیفه دعا کردن فرزند فقط محدود به زمان حیات آنها نمی باشد، بلکه باید بعد از مرگشان نیز برایشان دعای خیر بکند. (ر.ک: طبرسی، پیشین، ص ۶۳۱؛ ابن عربی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۹۹) همانگونه که دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) بر آن دلالت می کند.

به هر حال در متون حدیثی نیز وعده اجابت دعای فرزند برای والدین داده شده است. در حدیثی به نقل از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ وَكَلِّ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ...» (نوری، پیشین، ج ۱۲، باب اسْتِحْبَابِ إِقَامَةِ السُّنَنِ الْحَسَنَةِ وَاجْرَاءِ عَادَاتِ الْخَيْرِ، ص ۲۳۰) زمانی که شخصی از دنیا رفت، پرونده عملش بسته می شود مگر از سه چیز که یکی از آنها فرزند صالحی است که برایش دعا می خواند.»

نکته سوم: در بین مفسرین در این که آیا آیه کریمه که دستور به دعا برای والدین داده، والدین غیر مسلمان را نیز شامل می شود یا نه؟ سه قول وجود دارد:

قول اول: این آیه با آیه شریفه « مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ » (توبه، ۱۱۳) نسخ شده است. بنابراین فرزند مسلمان نمی تواند اگر پدر و مادرش یا یکی از آنها مشرک باشند، در حقشان دعا کند و بگوید «رَبِّ ارْحَمْهُمَا»؛

قول دوم: این است که آیه نسخ نشده است، بلکه در حق مشرکین تخصیص خورده است؛

قول سوم: گروهی نیز معتقدند نه نسخ شده و نه تخصیص خورده است، برای این که اگر والدین شخصی کافر بودند، ابتدا برای هدایت و ارشاد آنها دعا می کند و بعد از حصول ایمان نیز طلب رحمت می نماید. (فخرالدین رازی، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۲۷؛ همچنین ر.ک: جصاص، (۱۴۰۵ق)، ج ۵، ص ۲۰؛ طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۶۸؛ بیضاوی، پیشین، ج ۳، ص ۲۵۳)

از این گذشته، می توان مطلوبیت سایر مصادیق حمایت معنوی را به همان بیانی که درباره حمایت مادی مطرح شد، از ادله عام احسان و شکرگزاری استفاده کرد. بر همین اساس، امام جعفر صادق (ع) در حدیثی می فرماید: «چه چیز مانع شما می شود که به پدر و مادرتان در هنگام حیات و مرگشان نیکی کنید و از طرفشان نماز بخوانید، صدقه دهید، حج به جای آورید و روزه بگیرید تا پاداش این اعمال برای آنها و مثل آن نیز برای شما ثبت شود؟» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱؛ بابُ جُمْلَةُ مِنْ حُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ، ص ۵۰۵)

۲-۴. حق حضانت و شیردهی

یکی از دیگر حقوق مادران، حق حضانت و شیردهی به فرزند به مدت دست کم دو سال است. همان گونه که در تفاسیر آمده، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۷۶) آیه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره، ۲۸۶) مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند؛ [این] برای کسی است که بخواهد دوران شیردهی را کامل کند، حق حضانت و شیردهی به فرزند در دوره دوساله شیرخوارگی را به مادر داده است. البته آنچه در آیه بدان تصریح شده، حق شیردهی است، ولی بر اساس آنچه از روایات به دست می آید، (حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۱، صص ۴۷۱-۴۷۳) محدوده این حق فراتر از شیردهی صرف است و همه امور مربوط به حضانت و نگهداری از فرزند را شامل می شود و از این رو، برحسب برخی روایات تا سن هفت سالگی امتداد می یابد، (همان، صص ۴۷۲-۴۷۳) ضمن آنکه فقها نیز به رغم اختلاف نظر در تعیین دو سال یا هفت سال، در مورد اصل ثبوت حق حضانت برای مادر اتفاق نظر دارند. (ر.ک: سبزواری، بی تا، ص ۱۹۴؛ قمی، ۱۳۸۰ش، ج ۳، صص ۶۸-۶۹؛ حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۲؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۵؛ سیستانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۲۰)

در حقوق ایران نیز به تبعیت نظرات برخی از فقهاء عظام طبق ماده ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۱۳۸۲، مادر تا سن ۷ سالگی برای نگهداری طفلی که ابوی او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، اولویت دارد و پس از آن با پدر است. (ر.ک: صفایی، امامی، ۱۳۹۲ش، صص ۳۹۶-۳۹۸)

به نظر می رسد دلیل اعطای چنین حقی به مادران از سویی توجه به پیوند ناگسستنی تغذیه جسم و جان نوزاد با شیر و عواطف مادر و از سوی دیگر، رعایت عواطف مادر است؛ زیرا مادر با توجه به روحیه عاطفی اش عادتاً نمی تواند دوری فرزند خود را به ویژه در دوره شیرخوارگی تحمل کند. بنابراین، قرار دادن حق حضانت و شیردهی برای مادر، یک نوع حق دوجانبه هم برای فرزند و هم برای مادر است و تعبیر «أَوْلَادَهُنَّ» اشاره لطیفی به این مطلب است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۷۶)

۲-۵. حق مراقبت

مراقبت از افراد بیمار و سالمندان که به خاطر عجز و ناتوانی در رفع نیازهای اساسی زندگی خود، در طول تاریخ برعهده خانواده ها به ویژه فرزندان در طول تاریخ بوده است، که یکی از وظایف عقلی و اخلاقی آنها نیز می باشد. براساس قاعده عقلی وجوب شکر منعم که با جمله « جزای احسان با احسان» (رحمن، ۶۰) از آن یاد شده است، می توان گفت از منظر قرآن کریم، مراقبت از پدر و مادر به ویژه در زمان سالمندی که در آیه فوق بر آن تأکید شده است، جزء حقوق آنان و وظایف فرزندان می باشد. علاوه بر آن، دستوراتی که در آیه فوق در زمینه، نیاززدن، گفتار کریمانه، رفتار متواضعانه با والدین، به دلالت التزامی بر

و جوب مراقبت از آنها نیز دلالت می کند. بدین صورت که فرزندان زمانی می توانند این دستورات را عملی کنند، که مراقب والدین خود هستند در غیر اینصورت سالبه به انتفاع موضوع خواهد بود.

به هر حال، همانگونه که برخی از مفسرین بیان کرده اند، (مراغی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۴) تمام تلاش والدین این بوده است که به فرزندان خود خیر رسانده و از رسیدن ضرر به آنها جلوگیری نمایند و همه این ها از روی شفقت و مهربانی بوده است؛ خلاصه این که هر نعمتی که به انسان می رسد، بعد از خالق او، از سوی والدین او می باشد؛ بنابراین بر فرزندان نیز لازم است بر اساس قاعده عقلی یاد شده، از هر کار خیری از جمله مراقبت، نسبت به والدین خود دریغ نمایند.

در روایات اسلامی نیز در زمینه مراقبت از والدین به ویژه نسبت به مادران تأکید زیادی شده است. برای مثال، در حدیثی آمده است: « قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّ وَالِدَتِي بَلَغَهَا الْكِبَرَ وَ هِيَ عِنْدِي الْآنَ أَحْمِلُهَا عَلَى ظَهْرِي وَ أَطْعِمُهَا مِنْ كَسْبِي وَ أَمِيطُ عَنْهَا الْأَذَى بِيَدِي وَ أَصْرِفُ عَنْهَا مَعَ ذَلِكَ وَجْهِي اسْتِحْيَاءً مِنْهَا وَ إِعْظَامًا لَهَا فَهَلْ كَافَأْتُهَا قَالَ لَا ... » (نوری، پیشین، ج ۱۵، باب اسْتِحْيَابِ الزَّيَادَةِ فِي بِرِّ الْأُمِّ عَلَى بِرِّ الْأَبِ، ص ۱۸۰) مردی خطاب به پیامبر (ص) گفت: مادر پیری دارم که برپشتم حمل می کنم و از کسبم غذا می دهم، نمیگذارم به او آزار و اذیت برسد، با وجود این، به خاطر شرم و احترام، رویم را از او برمی گردانم، آیا وظیفه خود را کاملاً انجام داده ام؟! حضرت فرمودند: در مقابل زحمات مادری او نه! ... ».

۳. تکالیف مادر در برابر فرزندان

مادران همچنان که حقوقی بر فرزندان خود دارند، وظائف و مسئولیت‌هایی در قبال آنان به عهده دارند. در این قسمت، بر اساس آیات قرآن و نکات تفسیری به بررسی مهم‌ترین وظائف مادران در ضمن پنج محور مراقبت، تربیت، نظارت، رعایت عدالت بین فرزندان و حمایت در ازدواج فرزندان و تشکیل خانواده می‌پردازیم.

۳-۱. حفظ و مراقبت

در قرآن کریم بر دو جنبه مهم از موضوع مراقبت از فرزندان تأکید شده است: حفظ حیات فرزندان در برابر مرگ و نابودی و حفظ سلامتی آنان در برابر بیماری‌ها و دیگر آسیب‌های جسمی و روانی. در این بحث، مسئولیت‌های والدین به‌ویژه مادر در این زمینه بررسی خواهد شد.

الف) حفظ حیات فرزندان

بی تردید همگان در برابر حیات انسان‌های دیگر مسئولیت دارند، اما با توجه به رواج پدیده شوم فرزندکشی در دوران جاهلیت، قرآن کریم پدر و مادر را به‌خصوص در این زمینه مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا؛ (إسراء، ۳۱) و فرزندان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم، مسلماً قتل آنها گناه بزرگی است». این آیه، حق حیات فرزندان را به رسمیت شناخته و والدین را از کشتن آنان به دلیل فقر و تنگدستی برحذر داشته است.

برخی از مفسران معتقدند مقصود از فرزندکشی، همان «وَأَد» یا زنده به گور کردن دختران است که در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است، (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۴؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۴۱) اما از ظاهر آیات برمی‌آید که اعراب دوره جاهلیت علاوه بر این رسم منحط، گاه فرزندان خود اعم از دختر و پسر را از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۸۵)

به هر حال، با توجه به نقش مؤثر مادران در مسئله فرزندکشی در جاهلیت، قرآن کریم این موضوع را در مواد بیعت‌نامه زنان با پیامبر اکرم (ص) پس از فتح مکه گنجانده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا ... وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ ... فَبَايِعْهُنَّ؛ (ممتحنه، ۱۲) ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آمده و با تو بیعت می‌کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند ... و فرزندان خود را نکشند، ... با آنان بیعت کن».

آمارهای تکان‌دهنده راجع به سقط جنین عمدی (کورتاژ) در دوران معاصر نشان می‌دهد که جاهلیت مدرن در زمینه فرزندکشی، گوی سبقت را از جاهلیت قدیم ربوده است. شیوع سقط جنین عمدی در جوامع غربی در دهه‌های اخیر به حدی بوده است که برخی از نویسندگان غربی، آن را به عنوان یکی از روش‌های رائج کنترل موالید و تنظیم خانواده برشمرده‌اند. (سگالن، ۱۳۸۱ش، ص ۱۹۵)

این در حالی است که در فقه اسلام حتی حق حیات جنین به رسمیت شناخته شده و از این رو، سقط جنین از اولین مرحله تکون آن یعنی زمان انعقاد نطفه در رحم مادر حرام است و فقط در برخی از مواردی که ادامه حیات جنین، موجب خطر جانی برای مادر می‌شود، سقط جنین با پرداخت دیه تجویز شده است. (برای نمونه ر.ک: امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۳۰، ۹۴۵-۹۴۷، گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۴۴-۲۴۶؛ تبریزی، ۱۳۷۸ش، صص ۴۷۶-۴۷۸؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۱ش، صص ۳۰۰-۳۰۳)

ب) حفظ سلامتی فرزندان

وظیفه دیگر والدین به‌ویژه مادران در قبال فرزندان، حفظ سلامتی آنان است. در این رابطه افزون بر مجموعه ای از آداب مستحب ولادت فرزند برای تضمین سلامت جسمی وی، که از مراقبت های ویژه زمان انعقاد نطفه و زمان حاملگی گرفته تا عقیقه کردن و صدقه دادن برای آنها و ختنه نمودن پسران که در متون حدیثی تأکید شده است، (ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۶، باب فی آدابِ الْوِلَادَةِ، ص ۱۷-۳۹؛ صدوق، ۱۳۴۱ق، ج ۳ ص ۵۵۲ - ۵۵۴) می توان به توصیه های قرآن کریم درباره مدت شیردهی اشاره کرد.

آیه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره، ۲۳۳) علاوه بر اثبات حق حضانت و شیردهی برای مادران، بیانگر آن است که قرآن کریم الگوی شیردهی کامل را به دلیل نقش آن در سلامت جسمی و روانی فرزند، یک اولویت می‌داند. در این ارتباط، آیه «وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» (لقمان، ۱۴) آخرین زمان گرفتن کودک از شیر را دوسالگی قرار داده و آیه «حَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف، ۱۵) مجموع زمان بارداری و شیردهی را سی ماه دانسته است؛ پس با توجه به اینکه حد اقل مدت بارداری شش ماه و حد اکثر آن نه ماه است، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن برای مدت مطلوب شیردهی به فرزند، یک حد اقل بیست و یک ماهه و یک حد اکثر بیست و چهار ماهه مقرر کرده است. (ر.ک: بحرانی (آل عصفور)، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵، ص ۷۹؛ اصفهانی (فاضل هندی)، ۱۴۱۶ق؛ ج ۷، ص ۵۴۸؛ سیستانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۲۰) بر همین اساس، در برخی روایات، شیردهی کمتر از بیست و یک ماه، جفا به حق کودک قلمداد شده است.^۱

آیه نخست همچنین بر اولویت شیردهی و حضانت فرزندان به وسیله مادران طبیعی دلالت دارد و این از آن روست که مادر طبیعی هم به دلیل برخورداری از عواطف منحصر به فرد مادرانه و هم به سبب برتری شیر وی بر سایر شیرها که در روایات نیز بر آن تأکید شده، (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۶، ص ۴۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۸) بهترین گزینه‌ای است که می‌تواند مراقبت بهینه و در نتیجه، سلامت فرزندان را تأمین کند.

گفتنی است از جمله «لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» استفاده می‌شود که مادران می‌توانند در صورت مصلحت خود و کودک را کمتر از دو سال از شیر بگیرند. در ضمن فتوای مشهور فقهای شیعه با استناد به عموم «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أَجُورَهُنَّ» (طلاق، ۶) این است که مادر می‌تواند در مدت شیردهی خود از پدر در صورت نبود مالی برای فرزند، اجرت بگیرد. (ر.ک: بحرانی (آل عصفور)، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵، ص ۷۳؛ شهید ثانی، (۱۴۱۳ق)، ج ۸، ص ۴۱۴)

۳-۲. تعلیم و تربیت

^۱ - - متن روایت چنین است: «الرَّضَاعُ وَالْحِلَّةُ وَعَشْرُونَ شَهْرًا فَمَا نَقَصَ فَهُوَ جَوْزٌ عَلَى الصَّبِيِّ». (حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۱، ص ۴۵۵)

تعلیم و تربیت دینی فرزندان یکی دیگر از مهم ترین تکالیف والدین به ویژه مادر در قبال فرزندان، می باشد. در اهمیت و ضرورت تربیت آدمی همین بس است که انزال کتب و ارسال رسل از سوی خداوند متعال برای تعلیم و تربیت و هدایت اوست؛ (ر.ک: بقره، ۱۲۹، و ۱۸۵؛ آل عمران، ۱۶۴؛ انعام، ۹۱) به عبارت دیگر همه آیات قرآن کریم به طور مستقیم و غیر مستقیم در مقام تعلیم و تربیت انسان است، که یکی از بخش های مهم آن، تعلیم و تربیت فرزند است که در سوره های متعدد و در ضمن بیان سرگذشت انبیا و فرزندان آنان که در ذیل محورهای این بحث، اشاره خواهد شد، مطرح کرده است. از نگاه پیامبران الهی به عنوان الگوی همه پدران و مادران مسئولیت پذیر، این امر به حدی دارای اهمیت فوق العاده بوده است که علاوه بر این که با تمام وجود از خداوند متعال کمک خواسته و برایشان دعا می نمودند؛ (ر.ک: بقره، ۱۲۸-۱۲۹؛ ابراهیم، ۳۵؛ فرقان، ۷۴) و در این زمینه از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند، در بازپسین لحظات عمرشان نیز در فکر تعلیم و تربیت دینی آنان بوده و به آن وصیت می نمودند. (ر.ک: بقره، ۱۳۲-۱۳۳)

بنابراین اگرچه پدر و مادر در همه مراحل تعلیم و تربیت فرزندان، نقش مشترکی دارند، این همه توصیه به احسان و برّ والدین در آیات قرآنی برای فرزندان یکطرفه نبوده، بلکه در مقابل وظائف سنگین تربیتی آنها می باشد. بسیاری از مفسرین نیز در تفسیر آیه «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» (لقمان، ۱۴) به آن اشاره کرده و با عبارات مشابه و نزدیک به هم از مهم ترین دلایل شکر خداوند را برای نعمت اسلام و ایمان و شکر والدین را برای نعمت تربیت انسان دانسته اند. (برای نمونه ر.ک: اندلسی ابوحیان، (۱۴۲۰ ق)، ج ۸، ص ۴۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۴۹۵؛ مراغی، بی تا، ج ۲۱، ص ۸۳)

علاوه بر آن، از آخرین فقره آیه ۲۴ سوره اسراء استفاده می شود که حقوق والدین در قبال تربیت فرزند می باشد.

اما بی گمان، نقش مستقیم و غیرمستقیم مادر در این زمینه به دلیل ارتباط نزدیک تر وی با فرزندان به ویژه در سنین آغازین کودکی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شواهدی که ادعای مذکور را تأیید می کنند به قرار زیر می باشد:

أ. در قرآن کریم آنجا که دستور به دعا و طلب مغفرت برای والدین می دهد، چنین می فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء، ۲۴) و بگو پروردگارا همانگونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت و مغفرتشان قرار ده»، تربیت آنها در سنین پایانی را نعمت بزرگ قلمداد کرده و موجب حق دعا و آمرزش برای آنان می داند. بنابراین نقش مادر در زمینه موضوع مذکور در سنین نوزادی و کودکی به دلیل تأثیرات روحی و روانی وی در زمان سی ماهه مادری اعم از دوران بارداری، شیردهی و حضانت، (احقاف، ۱۵) بر تربیت فرزندان، بسیار مهم و برجسته می باشد.

ب. بدون شک، یکی از عوامل مهم زمینه ساز تعلیم و تربیت فرزندان پیش از تولد، صالح بودن پدر و مادر اوست. قرآن کریم واکنش بستگان و اقوام حضرت مریم (علیها السلام) را زمانی که کودکی (حضرت عیسی (علیه السلام) را در آغوش او دیدند، چنین بیان می فرماید: « قَالُوا ... يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا؛ (مریم، ۲۸) گفتند: ... ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!» این که در این آیه شریفه گفتار آنان نسبت به حضرت مریم (علیها السلام) و پدر و مادر وی بدون اظهار نظری نقل شده است، نشان از تأیید محتوای گفتار آنان است! و از مفهوم آیه استفاده می شود که پدر و مادر صالح و ناصالح در تعلیم و تربیت و سرنوشت خوب و بد فرزندان تأثیر جدی دارند.^۱

در روایات منقول از معصومین (علیهم السلام) که مفسرین واقعی قرآن کریم می باشند، توصیه های بسیار جدی در زمینه انتخاب همسر و ویژگی های آن نموده اند. منتهی تفاوتی که در این نوع روایت کاملاً مشهود است، این است که در پذیرش خواستگاری مرد، تنها سه ویژگی دین، اخلاق و امانتداری شرط شده است،^۲ در حالی که بر دقت در انتخاب زن به عنوان همسر و مادر آینده فرزندان، تأکید بیشتری شده است.^۳ به نظر می رسد مهم ترین پیام های این نوع روایات مبنی بر وجود تفاوت ها در ویژگی های انتخاب همسر، این است که زن در پیشرفت و پسرفت همه جانبه خانواده چه به عنوان همسر و چه به عنوان مادر نقش بسیار حساسی ایفا می کند. زیرا در برخی از روایات، بر نقش نژاد و تبار زن و عدم طلب اولاد از برخی از زنان تأکید شده است که این حاکی از تأثیرات شگرف وراثتی مادر بر فرزند می باشد. همانگونه که در بالا با استناد به آیه ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء و آیه ۱۵ سوره احقاف، ذکر شد، همچنین تأثیر محیطی مادر در تعلیم و تربیت فرزندان، به ویژه در دوران کودکی بیش از تأثیرات محیطی پدر بر فرزند می باشد.

۱ - از آیات ۳۳ تا ۳۷ سوره آل عمران که درباره آل عمران (پدر حضرت مریم) و مادر مریم و سرگذشت وی می باشد، نیز استفاده می گردد اصالت خانوادگی مادر در تعلیم و تربیت فرزند خود نقش اساسی دارد.

۲ - متن حدیث چنین است: حسین بن بشیر واسطی می گوید: «كُنْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ إِسْأَلَهُ عَنِ النَّكَاحِ فَكَتَبَ إِلَيَّ مِنْ حَطَبٍ إِلَيْكُمْ فَرَضِيئِمُ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرَوْجُهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ». (کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۳۴۷؛ حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، بَابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلْمَرْأَةِ وَ أَهْلِهَا اخْتِيَارُ الزَّوْجِ الَّذِي يُرَضَى خُلُقُهُ وَ دِينُهُ وَ أَمَانَتُهُ، ص ۷۷)؛ و حدیث دیگر از علی بن مهزیار نقل شده است که می گوید: « كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ سَبَاطٍ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ فِي أَمْرِ بَنَاتِهِ وَ أَنَّهُ لَا يَجِدُ أَحَدًا مِثْلَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ عَ فَهَمَّتْ مَا ذَكَرْتَ مِنْ أَمْرِ بَنَاتِكَ وَ أَنَّكَ لَا تَجِدُ أَحَدًا مِثْلَكَ فَلَا تَنْتَظِرْ فِي ذَلِكَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرَضُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ». (کلینی، همان؛ حر عاملی، همان، ص ۷۶).

۳ - روایات متعددی در این زمینه که هر کدام به برخی از ویژگی ها اشاره دارد، نقل شده است. برای نمونه پنج مورد آن را ذکر می نمایم:

۱. « قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ إِبَاكُمْ وَ تَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدُهَا ضِيَاعٌ ». (کلینی، پیشین، ج ۵، بَابُ كَرَاهِيَةِ تَزْوِيجِ الْحَمَقَاءِ وَ الْمُجْنُونَةِ، ص ۳۵۴؛ حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، بَابُ كَرَاهِيَةِ تَزْوِيجِ الْحَمَقَاءِ دُونَ الْأَحْمَقِ، ص ۸۴).
۲. در حدیث دیگری آمده است: « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ زَوْجُوا الْأَحْمَقِ وَ لَا تُزَوِّجُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ الْأَحْمَقَ يَنْجُبُ وَ الْحَمَقَاءَ لَا تَنْجُبُ ». کلینی، پیشین، بَابُ كَرَاهِيَةِ تَزْوِيجِ الْحَمَقَاءِ وَ الْمُجْنُونَةِ، ص ۳۵۴؛ حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، بَابُ كَرَاهِيَةِ تَزْوِيجِ الْحَمَقَاءِ دُونَ الْأَحْمَقِ، ص ۸۴.
۳. « عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ لَدِ الزَّنَا يُنْكَحُ قَالَ نَعَمْ وَ لَا يَطْلُبُ وَ لَدَهَا ». الکافی، ج ۵، بَابُ نِكَاحِ وَلَدِ الزَّنَى، ص ۳۵۳.
۴. « عَنْ الصَّادِقِ عَ قَالَ تَزَوَّجُوا فِي الْحِجْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعَرَقَ دَسَّاسٌ ». (طبرسی، (۱۴۱۲ق)، ص ۱۹۸).
۵. « قَالَ الصَّادِقُ عَ تَخَيَّرُوا لِنَفْسِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدَ الضَّحِييَعِينَ ». (ابن ابی جمهور احسانی، (۱۴۰۵ق)، ج ۳، ص ۳۰۱).

ج. براساس حدیثی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، مسئولیت خانواده و فرزندان بر عهده مادر گذاشته شده است. آنجا که می فرماید: «أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ، وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ... وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، فَالْمَرْئَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَاَلِدِهِ، وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ (دیلمی، (۱۴۱۲ق)، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ابن ابی جمهور حسائی، (۱۴۰۵ق)، ج ۱، ص ۱۲۹) آگاه باشید همه شما نگهبانید، و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستید، مسئولید... مرد، نگهبان خانواده خویش است و در مقابل آن ها مسئول، زن نیز، نگهبان خانواده شوهر و فرزندان است و در برابر آن ها مسئول می باشد».

با این توضیح، با الهام از آیات قرآن کریم عمده ترین محورهای تعلیم و تربیت فرزندان توسط والدین به ویژه مادر که تأکید بیشتری روی آنها انجام گرفته است، را در چهار محور اعتقادات، اخلاقیات، مناسک و آداب دینی به طور خلاصه مورد بررسی قرار می دهیم.

۳-۲-۱. اعتقادات

در برخی آیات قرآن کریم به طور صریح یا ضمنی به نقش تعلیمی و تربیتی والدین در زمینه اعتقادات فرزندان اشاره شده است. صرف نظر از مواردی مانند وصایای توحیدی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت یعقوب (ع) به فرزندانشان (بقره، ۱۳۲-۱۳۳) و نیز موعظه لقمان به فرزندش درباره پرهیز از شرک (لقمان، ۱۳) که می توانند برای همه والدین جنبه الگویی داشته باشند و نیز با قطع نظر از اشاراتی به نقش منفی پدر و مادر بی ایمان در انحرافات اعتقادی فرزندان، (عنکبوت، ۸ لقمان، ۱۵؛ نوح، ۲۶-۲۷) می توان آیه ای از قرآن را یادآور شد که می فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ؛ (بقره، ۲۲۳) زنان شما همچون کشتزاری برای شمایند، پس هر گاه خواستید به کشتزار خود درآید و برای خودتان پیش بفرستید». علامه طباطبایی (ره) در تفسیر فراز اخیر می نویسد:

مقصود از جمله «برای خودتان پیش بفرستید» و خطاب مردان یا مجموع مردان و زنان به این تکلیف آن است که ایشان را به ابقای نوع انسان از طریق ازدواج و تناسل ترغیب کند. با توجه به این که خداوند از نوع انسان و بقای آن چیزی جز حیات دین و گسترش توحید و عبادت خود به واسطه پرهیزگاری عام انسان ها نمی خواهد... مراد از این خطاب گرچه در درجه نخست، تولیدمثل و تقدیم اعضای جدید به اجتماعی است که پیوسته افرادش را به سبب مرگ و میر از دست می دهد و [اگر تولیدمثل نباشد] جمعیت آن به مرور زمان کاهش می یابد، اما این بدان سبب نیست که افراد جدید به خودی خود مطلوب اند، بلکه غرض آن

است که به واسطه آنها یاد خداوند باقی بماند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۲۱۳-۲۱۴)

بنابراین، والدین به ویژه مادران باید ایمان به خداوند و باور به جهان غیب، بهشت و دوزخ، کتاب‌ها و پیامبران الهی و امامت ائمه هدی از جمله حضرت ولی عصر (عج) را در نهاد فرزندان خود درونی سازند و اعتقادات صحیح را به‌ویژه در سنین کودکی به آنان آموزش دهند، چنان‌که در روایات به والدین توصیه شده است که آموزش عقائد صحیح به فرزندان را زود هنگام آغاز کنند. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۶، ص ۴۷) همچنین در برخی دیگر از روایات آشنا کردن دل‌های فرزندان با محبت پیامبر خدا و اهل بیت (علیهم السلام) و همچنین قرائت قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. (المتقی الهندی، ۱۴۰۱ ق، ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۹)

۳-۲-۲. اخلاقیات

در ارتباط با لزوم اهتمام والدین به پرورش فضائل اخلاقی فرزندان باید گفت گذشته از نصائح اخلاقی حضرت لقمان به فرزندش (لقمان، ۱۵-۱۸) و سفارش حضرت یعقوب (ع) به فرزندانش درباره ناامید نشدن از عنایت الهی، (یوسف، ۸۷) و همچنین توصیه‌های اخلاقی مفصل امام علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) (سیدرضی، ۱۳۸۱ ش، نامه ۳۱، ص ۳۷۲) می‌توان به آیات متعددی اشاره کرد که مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی پیامبران را به عنوان دستورالعمل زندگی برای همه افراد به ویژه پدر و مادری که مسئولیت اصلی تربیت فرزندان را بر عهده دارند، صادر نموده است. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی پیامبران به عنوان الگوی قوی و عملی برای همه انسان‌ها از جمله والدین که در قرآن کریم مطرح شده است، عبارتند از: صداقت در گفتار، (مریم، ۴۱ و ۵۶؛ یوسف، ۴۶) پایبند بودن به وعده‌ها و پیمانها، (مریم، ۵۴) امانتداری، (شعراء، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۸) دلسوزی و علاقه شدید نسبت به هدایت مردم، (اعراف، ۶۸؛ توبه، ۱۲۸) نداشتن انتظار پاداش از دیگران در قبال کارهای مثبت، (شعراء، ۱۰۹؛ ۱۲۷؛ ۱۴۵؛ ۱۶۴؛ ۱۸۰) نیکوکاری و احسان به مردم، (بقره، ۱۹۵؛ آل عمران، ۱۳۴) شجاعت و عدم ترس از غیر خدا در انجام وظایف دینی، (بقره، ۱۵۰؛ مائده، ۳ و ۴۴؛ احزاب، ۳۹) توکل مطلق به خداوند در همه امور زندگی، (هود، ۵۴-۵۶؛ یوسف، ۶۷) تواضع و نداشتن تکبر، (قصص، ۸۳؛ لقمان، ۱۸-۱۹) نرمش و محبت و حسن خلق با مردم، (بقره، ۸۳؛ آل عمران، ۱۵۹) انفاق برای نیازمندان، (بقره، ۳؛ آل عمران، ۱۳۴؛ انفال، ۳) عفو خطاهای دیگران، (بقره، ۱۰۹؛ آل عمران، ۱۵۹؛ مائده، ۱۳) صبروری، (هود، ۴۹؛ لقمان، ۱۷؛ رعد، ۲۲) ارتباط خویشاوندی و حرمت قطع رحم (رعد، ۲۱ و ۲۵؛ بقره، ۲۷) و

افزون بر آنها می‌توان به اصل کلی «امر به معروف» استناد کرد که طبق آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۰) زنان و مردان را به طور یکسان در بر می‌گیرد. به موجب این اصل، سفارش به معروف (هر امر شایسته و مطلوب عقلی یا شرعی) که قطعاً توصیه به فضائل اخلاقی را شامل می‌شود، وظیفه‌ای است که همه افراد نسبت به اجتماع و به طور مؤکدتر، پدران و مادران نسبت به فرزندان خود بر عهده دارند.

در متون حدیثی نیز توصیه های مهمی برای والدین به ویژه مادران مربوط به زمان انعقاد نطفه و دوران بارداری و شیردهی شده است که رعایت و عدم رعایت آن موجب تأثیر مثبت یا منفی در سجایای اخلاقی فرزندان می شود. (ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۶، باب فی آدابِ الْوَلَدَةِ، ص ۱۷-۳۹؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۲-۵۵۴)

۳-۲-۳. مناسک دینی

آیاتی فراوانی که درباره اصل و جوب عبادت به طور مطلق (برای نمونه ر.ک: انعام، ۱۰۲؛ أعراف، ۲۰۶؛ رعد، ۴۹) و نماز به طور خاص (برای نمونه ر.ک: بقره، ۴۳، ۸۳، ۱۵۳، ۲۳۸؛ نساء، ۴۳، ۷۷، ۱۴۲) نازل شده است، نشانگر این است که قرآن کریم اهتمام ویژه ای نسبت به عبادات به ویژه نماز صورت داده است. زیرا هدف از خلقت انسان، عبادت خداوند (ذاریات، ۵۶) و رسیدن به او (قمر، ۵۴-۵۵) معرفی شده است. برای همین است که داشتن ویژگی اقامه کننده نماز توسط فرزندان جزء دعاهاى انبیای الهی بوده است. (ابراهیم، ۴۰)

علاوه بر آن، امر به معروف، به بیانی که گذشت، وظیفه‌ای همگانی با گستره‌ای وسیع است که امر والدین به فرزندان در خصوص برپایی مناسک دینی به ویژه نماز را نیز شامل می‌شود. روشن است که پیش شرط انجام این وظیفه، آموزش احکام عبادات به فرزندان است. از این گذشته، امر فرزندان به نماز از سوی انبیاء الهی و بزرگان دین در چندین آیه از قرآن در قالب حکایت یا توصیه مطرح شده است که می‌تواند الگویی برای همه والدین باشد. قرآن کریم در آیه «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ»، (مریم، ۵۵) حضرت اسماعیل (ع) را به دلیل امر نمودن خانواده به نماز می‌ستاید و در آیه «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ»، (لقمان، ۱۷) از سفارش حضرت لقمان به فرزندش درباره اقامه نماز یاد می‌کند و در آیه «وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»، (طه، ۱۳۲) رسول اکرم (ص) را به امر کردن خانواده به نماز فرامی‌خواند.

گفتنی است مادران به دلایل تفاوت های طبیعی و عاطفی با پدران، در این زمینه نیز نقش بیشتری دارند. شاهد ادعای مذکور توصیه قرآن کریم به زنان پیامبر (ص) برای اقامه نماز می باشد. گرچه مخاطب آیه زنان پیامبر (ص) می باشد، ولی مخصوص به آنها نیست، بلکه شامل همه زنان است هر چند در مورد آنان تأکید بیشتری دارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۲۳۷؛ همچنین ر.ک: قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۶۴) آنجا که می فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ... وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ»؛ (احزاب، ۳۳) ای همسران پیامبر! ... و نماز را بر پا دارید». اما در پاسخ به این سؤال که آیه شریفه چگونه بر آموزش نماز توسط مادران دلالت می کند، می توان گفت آیه شریفه همه زنان که به طور قطع برخی از آنها مادر بوده و دارای فرزند می باشد، را به اقامه نماز دستور داده است و بدون تردید یکی از راه های اقامه نماز، ترویج و آموزش آن در خانواده به فرزندان می باشد. (ر.ک: نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۶، ص ۹۷؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲، ج ۶، ص ۲۹۴) بنابراین با دلالت التزامی بر نقش مادران در آموزش عبادت

به ویژه نماز برای فرزندان خود دلالت می کند. در حالی که چنین مطلبی به طور مستقیم درباره پدران در قرآن کریم نیامده است، بلکه به صورت عمومی با جملاتی مانند « اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ » و « يُقِيْمُونَ الصَّلَاةَ » که شامل همه پدران و مادران مؤمن می گردد، مورد خطاب قرار داده است.

۳-۲-۴. آداب دینی

تعلیم آداب معاشرت صحیح به فرزندان، به ویژه در زمینه های مربوط به امور جنسی، یکی دیگر از وظائفی است که قرآن کریم برای والدین مقرر کرده است. گذشته از توصیه های رفتاری حضرت لقمان به فرزندش درباره چگونگی معاشرت با مردم، (لقمان، ۱۴-۱۹) آموزش نحوه اجازه گرفتن کودکان برای ورود به اتاق خواب والدین و دیگر بزرگسالان خانواده، مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است. قرآن در این خصوص می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ... » (نور، ۵۸) ای کسانی که ایمان آورده اید، غلامان و کنیزان شما و کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده اند، [برای ورود به اتاق خواب] سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد و هنگامی که در نیمروز جامه های خود را بیرون می آورید و پس از نماز شامگاهان ...». از آنجا که تکلیف شرعی به کسب اجازه نمی تواند به کودکان نابالغ متوجه شود، آیه شریفه بزرگسالان را مخاطب قرار داده و اجازه گرفتن کودکان را از اولیای آنها خواسته است که این می تواند نوعی تعیین وظیفه آموزشی برای اولیا باشد.

همچنین آداب ورود به خانه خویش و سلام کردن، (نور، ۶۱) اذن خواستن و سلام کردن هنگام ورود به خانه دیگران، (نور، ۲۷-۲۸) آداب راه رفتن و سخن گفتن با مردم، (لقمان، ۱۸-۱۹؛ احزاب، ۳۲ و ۷۰) آداب برخورد با خویشاوندان و فقراء و یتیمان، (بقره، ۸۳؛ ۲۶۲-۲۶۳؛ نساء، ۸) آداب برخورد با مردم به ویژه با مؤمنان، (بقره، ۸۳؛ انعام، ۵۴) آداب برخورد با جاهلان (فرقان، ۶۳ و ۷۲؛ قصص، ۵۵) و... از دیگر مصادیق آداب دینی است که در قرآن کریم مورد تاکید واقع شده و والدین نیز به عنوان اصلی ترین مربی فرزندان، باید به طور مستقیم و غیر مستقیم به آنان آموزش دهند.

در متون حدیثی نیز آموزش آداب دینی مانند آموزش قرائت قرآن کریم، آداب پسندیده جزء حقوق فرزندان به شمار آمده است.^۱ در برخی دیگر از روایات تربیت کردن فرزندان با محبت پیامبر خدا و اهل بیت (

۱ - «... وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ». (همانگونه که بارها گفته شده است، با توجه به این که تعلیم و تربیت فرزندان وظیفه هریک از پدر و مادر است، ظاهراً اینجا نیز «والد» خصوصیتی ندارد، بلکه مادر نیز در این زمینه نقش دارد.) همچنین مصادیق دیگر آداب دینی در احادیث مختلف بیان شده است. (برای نمونه ر.ک: حرانی، (۱۴۰۴ق)، ص ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۲۶۲؛ و ج ۶۷، ص ۷۳؛ آمدی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۶۴ و ۲۷۱).

علیهم السلام) و همچنین آموزش قرائت قرآن کریم از آداب دینی محسوب گردیده است. (المتقی الهندی، ۱۴۰۱ق)، ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۹)

به هر حال، در روایات متعددی بر جنبه های دیگر تعلیم و تربیت فرزندان مانند، همبازی شدن با فرزندان خردسال، (حرعاملی، پیشین، ج ۲۱، باب اسْتِحْبَابِ النَّصَابِي مَعَ الْوَالِدِ وَ مُلَاعَبَتِهِ، ص ۴۸۶) آموزش خواندن و نوشتن به فرزندان، (همان، ج ۱۷؛ باب مَا يَنْبَغِي تَعَلُّمُهُ وَ تَعْلِيمُهُ مِنَ الْعُلُومِ وَ مَا لَا يَنْبَغِي ص ۳۳۱؛ و ج ۲۱، باب جُمْلَةٌ مِنْ حَقُوقِ الْأَوْلَادِ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۸۲) آموزش شنا و تیراندازی (همان) و انتخاب نام نیکو برای آنان (رک: همان، ج ۲۱، ص ۳۸۹) تأکید شده است. که در برخی از آنها پدر و مادر نقش مشترکی دارند. برای مثال مادران نیز در همبازی با فرزندان خردسال می توانند بسیاری از معارف دینی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به آنان آموزش دهند؛ چنانکه براساس روایتی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در بازی با امام حسن (علیه السلام) این اشعار پرمحتوا را می خواند:

« أَشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ
وَ اعْبُدْ إِلَهًا ذَا مَنَنِ وَ لَا تَوَالِ ذَا الْأِحْنِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴ق)، ج ۳، ص ۲۸۶)

حسن جان شبیه پدرت باشد، قیدو بند را از حق بردار و خدای صاحب نعمت را بندگی کن و با افراد کینه توز دوستی مکن». ناگفته نماند بر حسب احادیث منقول از معصومین (علیهم السلام) والدین باید به مرحله بندی زمانی تعلیم و تربیت (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲) و به تفاوت نوع فعالیت کودک در مراحل سه گانه^۱ توجه جدی داشته باشند تا جلوی افراط و تفریط های تعلیم و تربیت فرزندان گرفته شده و فرآیند تربیت دینی آنان مختل نگردد.

۳-۳. نظارت

بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ حفظ کنید»، می توان گفت پدر و مادر نه تنها در قبال رفتارهای خود به عنوان فرد مسلمان مسئول اند، بلکه نسبت به همه کنش های فردی و اجتماعی فرزندان به ویژه پس از سن بلوغ که تکالیف شرعی متوجه آنان می شود، دارای وظیفه نظارتی هستند.

در روایات، مفهوم «حفظ خانواده از آتش» به امر به معروف و نهی از منکر اهل خانه تفسیر شده است. در روایتی از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «هنگامی که آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» نازل شد، مردی از مسلمانان بر زمین نشست و گریه سر داد و گفت: من از حفظ خود عاجز

^۱ - متن حدیث چنین نقل شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعُلَامُ يَلْعَبُ سَنَعِ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَنَعِ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَنَعِ سِنِينَ». (کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۷؛ حرعاملی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۳۱ و ج ۲۱، ص ۴۷۴).

بودم، اکنون مسئولیت خانواده‌ام نیز بر دوش من گذاشته شد! پیامبر خدا (ص) فرمودند: «برای تو همین کافی است که آنان را به آنچه خودت را بدان امر می‌کنی، امر کنی و از آنچه که خودت را نهی می‌کنی، نهی کنی». (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۴۸) همچنین در روایت دیگری از آن حضرت درباره چگونگی حفظ خانواده از آتش دوزخ سؤال شده و امام (ع) پاسخ داده‌اند: «آنان را به آنچه خداوند امر کرده، امر می‌کنی و از آنچه خداوند نهی نموده، نهی می‌کنی؛ پس اگر فرمانت را پذیرفتند، آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر تو را نافرمانی کردند، تو وظیفه‌ات را به انجام رسانده‌ای». بر اساس این دو روایت، منظور از وظیفه نظارتی والدین که همان امر و نهی زبانی است، مشخص می‌شود.

از منظر قرآن کریم، پدر و مادر افزون بر نظارت عام بر فرزندان خود، به طور خاص در مورد نظارت بر امور جنسی آنان نیز وظیفه و نقش مهمی دارند. آنجا که عموم زن و مرد مؤمن را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ ... وَ الَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ... ؛ وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛ (نور، ۵۸-۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید ... باید کودکانان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شما است، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمائید) ... ؛ و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می‌گرفتند.» تأکید بر کنترل ورود و خروج فرزندان به محل خلوت پدر و مادر قبل و بعد از بلوغ جنسی در این آیه شریفه، شدت اهتمام قرآن کریم در مورد وظیفه نظارتی پدر و مادر بر امور جنسی فرزندان را نشان می‌دهد.

برحسب روایات متعددی که از مفسرین واقعی قرآن کریم نقل شده است، پدر و مادر باید کودکان خود را از مشاهده صحنه ارتباط جنسی به طور مطلق بازدارند، زیرا این امر به شدت بر گرایش کودکان به انحرافات جنسی تأثیرگذار می‌باشد. (ر.ک: حرعاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۳۳-۱۳۴) همچنین والدین موظف هستند بستر کودکان را از ده سالگی و در برخی روایت از شش سالگی از بستر دیگر کودکان و از بستر بزرگسالان غیرهمجنس جداکنند. (ر.ک: صدوق، پیشین، ج ۳، حرعاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۳۱-۲۳۲)

به هر حال، نظارت بر امور جنسی فرزندان به حدی مهم است که از نگاه والدین به شرمگاه کودکان و برعکس، (ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۵۰۳، ج ۳۶؛ حرعاملی، پیشین، ج ۲، ص ۵۷) و همچنین تماس بدنی مادر با دخترش

وقتی که به سن شش سالگی برسد، در روایات منقول از پیشوایان دینی نهی شده؛ و برای بوسیدن دختر و پسر توسط جنس مخالف محدودیت زمانی گذاشته شده است. (ر.ک: صدوق، پیشین ج ۳، ص ۴۳۷؛ طبرسی، پیشین، ص ۲۲۳)

۳-۴. رعایت عدالت بین فرزندان

علاوه بر آیات فراوانی که در زمینه اجرای عدالت و دوری از ظلم در همه ابعاد زندگی انسان ها وجود دارد و همه مردان و زنان دنیا در حد توان و وسع خود، مکلف به اجرای آن شده اند، (برای نمونه ر.ک: بقره، ۲۸۲؛ نساء، ۵۸، ۱۲۷؛ مائده، ۸) برحسب آیه شریفه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند. یکی از اهداف اصلی بعثت انبیاء و برنامه آنها، دعوت مردم (اعم از زن و مرد) برای قیام به عدل و داد می باشد؛ که از اطلاق و عام آن استفاده می گردد که یکی از وظایف اخلاقی پدر و مادر به عنوان مربی در خانواده اجرای عدالت و مساوات بین فرزندان می باشد. در روایات اسلامی نیز رعایت عدالت و مساوات جزء حقوق فرزندان شمرده شده،^۱ و در همه امور فردی و اجتماعی حتی در بوسیدن فرزندان نیز به رعایت عدالت تأکید شده است.^۲

نکته مهم در این ارتباط آن است که اگر عدالت در روایات بالا را به معنای عرفی یعنی مساوات بگیریم، باید موارد ضرورت از تحت قاعده لزوم عدالت میان فرزندان، استثناء شود، که در برخی از روایات برای ادعای مذکور شواهدی وجود دارد.^۳ اما اگر عدالت را به معنای اصطلاحی آن (إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ) و در مقابل ظلم بگیریم، نیازی به چنین استثنائی نیست. (بستان، ۱۳۹۰ش، ص ۱۳۴-۱۳۵)

۳-۵. حمایت در ازدواج و تشکیل خانواده

در نظام حقوقی اسلام، حمایت از فرزندان به دلیل جنبه های مالی معمولاً به پدران مربوط می شود. با این حال، در مواردی برای مادران نیز مسئولیت هایی در این زمینه مقرر شده است که یکی از مهم ترین آنها مسئولیت حمایت در ازدواج و تشکیل خانواده است. قرآن کریم در خطابی عمومی می فرماید: وَ أَنْكِحُوا

^۱ - برحسب روایتی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّ لَكُمْ مِنْ الْحَقِّ أَنْ تَعْدِلَ بَيْنَهُمْ كَمَا أَنْ لَكَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ أَنْ يَبْرُوكَ؛ همچنان که از حقوق تو بر فرزندان آن است که به تو نیکی کنند، از حقوق آنان بر تو آن است که عدالت را بین آنان رعایت کنی.» (المتقی الهندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۴۶، ح ۴۵۳۵۸)

^۲ - متن حدیث چنین نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّىٰ فِي الْقَبْلِ؛ خداوند دوست دارد که حتی بوسه هایتان را عادلانه بین فرزندان خود تقسیم کنید.» (المتقی الهندی، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۴۵۳۵۰) روایات متعدد دیگری در زمینه رعایت عدالت بین فرزندان نقل شده است. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۱، ص ۹۲)

^۳ - در حدیثی آمده است: «قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ وَالِدِي عَ وَاللَّهِ إِنِّي لِأَصَانِعُ بَعْضَ وُلْدِي وَ أَجْلِسُهُ عَلَىٰ فَخِيزِي وَ أَكْرُزُ لَهُ الْمَخَّ وَ أَكْسِرُ لَهُ السُّكَّرَ وَ إِنَّ الْحَقَّ لِعَيْبَرِهِ مِنْ وُلْدِي وَ لَكِنَّ مَخَالَفَةَ [مَخَافَةَ] [مَخَافَةَ] عَلَيْهِ مِنْهُ وَ مِنْ غَيْرِهِ لَا يَصْنَعُوا بِهِ مَا فَعَلَ يَبُوسُفَ وَ إِخْوَتُهُ.» (مجلسی، پیشین، ج ۷۱، ص ۷۸، ح ۷۵)

الْأَيَّامِ مِنْكُمْ؟ (نور، ۳۲) بی همسران خود را همسر دهید» که بر اساس این آیه، مسئولیتی اجتماعی برای پدران، مادران، سایر بستگان و حتی دیگر افراد و نهادهای اثرگذار در جهت فراهم ساختن شرائط و امکانات ازدواج افراد بی همسر ثابت می شود.

۴. نتیجه گیری

نتیجه ای که از این تحقیق می توان بدست آورد این است که در فرهنگ قرآن کریم مادر از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و این توانایی را دارد که نقش مستقیم و غیر مستقیم بسیار مهم و سازنده ای در تربیت صحیح فرزندان و به تبع آن در ساختن جامعه سالم و موفق ایفا نماید که در آموزه های دینی نیز با عباراتی مانند « السعيد سعيد في بطن أمه و الشقي شقي في بطن أمه » در این زمینه بر آن تأکید شده است. برای همین است که دشمنان نظام اسلامی با امکاناتی که در اختیار دارند شبانه روز سعی می کنند با تمام قوا حقوق و تکالیف مادر در اسلام و نقش او در خانواده های اسلامی را زیر سؤال برده و تخریب نمایند. عجیب این است که با تأمل در برخی از آیات چنین برمی آید که سفارش به مادر بیشتر از پدر است و حق مادر بر حق پدر مقدم شده است. به هر حال، در قرآن کریم همچنان که حقوق متعدد و مهمی برای مادر به رسمیت شناخته شده است از باب ملازمه حق و تکلیف، تکالیفی نیز بر عهده وی گذاشته شده است. از این روی جامعه اسلامی به ویژه فرزندان در خانواده باید حقوق متعدد وی در قرآن کریم را مورد توجه قرار داده و در تأدیه آن کوتاهی ننمایند. پرواضح است که مادران نیز در راستای ایفای نقش بی نظیرشان در برابر خانواده و فرزندان، باید سعی کنند تکالیفی را در کتاب سعادت بخش قرآن کریم بر عهده آنها گذاشته شده است را به نحو مطلوب انجام دهند.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم (با استفاده از ترجمه آیت الله مکارم مکارم شیرازی و موسوی زنجانی)

۱. آمدی، عبدالواحد تمیمی، (۱۳۸۸ش)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی، پیام علمدار، قم.
۲. ابن العربی محمد بن عبدالله بن ابوبکر، (بی تا)، احکام القرآن، بی نا، بی جا.
۳. ابن عجبیه احمد بن محمد، (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، انتشارات دکتر حسن عباس زکی، قاهره.
۴. ابن ابی جمهور احسائی، (۱۴۰۵ق)، عوالی اللثالی، انتشارات سید الشهداء، قم.

۵. اصفهانی (فاضل هندی)، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، چاپ اول، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۴۲۲ ق)، استفتاءات، چاپ پنجم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. _____، (۱۴۲۴ ق)، توضیح المسائل (محشّی)، چاپ هشتم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. اندلسی ابو حیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، البحر المحيط فی التفسیر، ناشر: دار الفکر، بیروت.
۹. بستان (نجفی) حسین، (۱۳۹۰ ش)، خانواده در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۱۰. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، چاپ اول، محقق/ مصحح: محمد تقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. بیضاوی عبدالله بن عمر، (۱۴۱۹ ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۲. تبریزی، میرزا جواد، (۱۳۷۸ ش)، استفتائات جدید، چاپ اول، انتشارات سرور، قم.
۱۳. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ ق)، احکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۴. جوادی آملی عبدالله، (۱۳۷۸ ش)، زن در آینه جلال و جمال، اسراء، قم.
۱۵. حر عاملی محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسایل الشیعه؛ چاپ مؤسسه آل البیت، قم.
۱۶. حرانی ابو محمد الحسن ابن شعبه، (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)؛ انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. حکیم، سید محسن، (۱۴۱۰ ق)، منهاج الصالحین، (۲ جلد)، تعلیق: السید محمد باقر الصدر، دارالتعارف، بیروت.
۱۸. خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۸ ش)، رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی)، چاپ پانزدهم، انتشارات بین المللی الهدی، تهران.
۱۹. خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۱۶ ق)، صراط النجاة، چاپ اول، ناشر: مکتب نشر المنتخب، قم.
۲۰. _____، (۱۴۱۰ ق)، منهاج الصالحین (۲ جلد)، مدینه العلم، قم.
۲۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۱۲ ق)، ارشاد القلوب، انتشارات شریف رضی، بی جا.
۲۲. راغب اصفهانی حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، ناشر: دارالعلم الدار الشامیه، دمشق بیروت.
۲۳. زمخشری محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ناشر: دار الکتب العربی، بیروت.
۲۴. سبزواری، محمد باقر، (بی تا)، کفایة الاحکام، مدرسه صدر مهدوی، اصفهان.
۲۵. سگالن، مارتین، (۱۳۸۸ ش)، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید یاسی، چاپ پنجم، نشر مرکز، تهران.
۲۶. سیستانی، سید علی، (۱۴۱۶ ق)، منهاج الصالحین (۳ جلد)، مکتب آیه الله العظمی السیستانی، قم.

۲۷. السیوطی جلال الدین، (بی تا)، جامع الاحادیث، بی نا، بی جا.
۲۸. سید رضی ابوالحسن محمدبن ابی احمد، (۱۳۸۱ش)، نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، قم.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، چاپ اول، نشر مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم.
۳۰. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، (۱۳۹۲ش)، مختصر حقوق خانواده، چاپ سی و ششم، نشر میزان، تهران.
۳۱. صدوق ابو جعفر محمدبن علی، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه؛ انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۳۲. طباطبایی سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بی تا، نشر دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ق) العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)، چاپ اول، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. طبرسی فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۳۵. طبرسی رضی الدین، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم.
۳۶. طوسی شیخ ابی جعفر محمدبن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۷. فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، ناشر دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۸. قمی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰ش)، جامع الشتات (۴ جلد)، ترجمه و تحقیق: عیسی ولایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳۹. قرائتی محسن، (۱۳۸۳ ش)، تفسیر نور، ناشر: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران.
۴۰. قرشی سید علی اکبر، (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، چاپ ششم، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران.
۴۱. کلینی محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی؛ انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۲. کرمی حویزی محمد، (۱۴۰۲ ق)، التفسیر لکتاب الله المنیر، ناشر: چاپخانه علمیه، قم.
۴۳. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، (۱۴۰۹ق)، مجمع المسائل، (۵جلد)، محقق/ مصحح: علی کریمی جهرمی - علی ثابتی همدانی - علی نیری همدانی، چاپ دوم، ناشر: دار القرآن الکریم، قم.
۴۴. المتقی الهندی علاء الدین علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق: بکری حیانی و صفوه السقا، چاپ پنجم، انتشارات مؤسسه الرساله، مدینه .
۴۵. مجلسی محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.
۴۶. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

٤٧. مراغى احمد بن مصطفى، (بى تا)، تفسير المراغى، ناشر: داراحياء التراث العربى، بيروت.
٤٨. مغنيه، محمد جواد، (١٤٢١ ق)، الفقه على المذاهب الخمسة، ٢ جلد، دارالتيار الجديد - دار الجواد، بيروت - لبنان.
٤٩. مكارم شيرازى ناصر و همكاران، (١٣٧٤ ش)، تفسير نمونه، ناشر: دار الكتب الإسلاميه، تهران.
٥٠. مكارم شيرازى، ناصر، (١٤٢١ق)، الأمثل فى تفسير كتاب الله المنزل (٢٠ جلد)، مدرسه الإمام على بن أبى طالب (ع)، قم.
٥١. نجفى خمينى محمد جواد، (١٣٩٨ ق)، تفسير آسان، ناشر: انتشارات اسلاميه، تهران.
٥٢. نورى ميرزا حسين، (١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل، انتشارات مؤسسه آل البيت، قم.